



The Scope of Iranian Criminal Law Regarding Contemporary Terrorism Offending; With an Approach to the Criminal Teachings of Islam

Peyman Namamian¹

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics,
Arak University, Iran, Arak

Abstract

Regardless of its meaning and discourse, terrorism offending is a concept that involves violence, extremism, fear and general panic, the use of which even in the mind leads to a kind of psychological reaction based on disgust. Therefore, in line with the globalization of the management of the fight against terrorism offending, the international community, which had faced the phenomenon of terrorism in the second half of the 20th century, reacted by approving international and regional conventions for specific types of terrorism offending and the commitment of governments. Of course, despite the membership and accession of the governments to the approved conventions, in the face of terrorism offending, they started reacting to it according to their governance, political, social and even legal structure. Therefore, it can be stated that the capacity of Iranian criminal law's scope was such that the legislator over the years, despite the establishment of titles such as *Moharebeh*, corruption on earth, and even rebellion according to Islamic teachings, did not get the possibility to resolve the legal gaps in the process of confronting it. At the same time, the necessity of revising the legal regulations and adopting a new policy in the field of criminalizing contemporary terrorism offending, due to its complex criteria and diverse components, is becoming more apparent. Of course, various mechanisms against terrorism offending have been approved in the past periods, and due to the development and increasing use of tools and their variety, the way of committing has also undergone a significant transformation, which erases the modernity and application of regulations.

Key words: *Moharebeh*, Corruption on Earth, Rebellion, Terrorism Offending, Iranian Criminal Law, Islamic Criminal Teachings.

Received: 11/05/2024

Accepted: 18/06/2024;

How To Cite: Peyman Namamian, (2024). The Scope of Iranian Criminal Law Regarding Contemporary Terrorism Offending; With an Approach to the Criminal Teachings of Islam, *Criminal law doctrines of Islamic countries*, 1 (2), 122-136.

doi.org/ 10.22091/DCLIC.2024.10864.1015

Published by: University of Qom © The Author(s)

Article type: Research

قلمرو حقوق کیفری ایران در قبال بزهکاری تروریستی معاصر؛ با رویکردی به آموزه‌های کیفری

اسلام

پیمان نمایان^۱

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم اداری و اقتصاد دانشگاه اراک، ایران، اراک
p_namamian1512@yahoo.com

چکیده

بزهکاری تروریستی فارغ از معنا و گفتمانی که دارد، مفهومی متضمن خشونت، افراطی‌گری، هراس و وحشت عمومی است که استفاده از آن حتی در ذهن نیز نوعی واکنش روانی مبتنی بر انزجار را به دنبال دارد. ازاین‌رو، در راستای جهانی شدن مدیریت مبارزه با بزهکاری تروریستی، جامعه بین‌المللی که در نیمه دوم قرن بیستم با پدیده تروریسم مواجه شده بود، با تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، در قبال انواع خاص بزهکاری تروریستی و تعهد دولت‌ها، واکنش نشان داد. البته به‌رغم عضویت و الحاق دولت‌ها به کنوانسیون‌های مصوب، در رویارویی با بزهکاری تروریستی، متناسب با ساختار حاکمیتی، سیاسی، اجتماعی و حتی حقوقی خود مبادرت به واکنش در قبال آن شدند. ازاین‌رو، می‌توان اظهار داشت که ظرفیت قلمرو نظام حقوق کیفری ایران به نحوی بود که قانون‌گذار طی سال‌ها علی‌رغم تأسیس عناوینی نظیر محاربه، افساد فی الارض و حتی بغی وفق آموزه‌های اسلامی، امکان رفع شکاف‌های قانونی را در فرآیند رویارویی با آن به دست نیاورد. این در حالی است که ضرورت بازنگری مقرره‌های قانونی و اتخاذ سیاستی نوین در زمینه جرم‌انگاری بزهکاری تروریستی معاصر با توجه به معیارهای پیچیده و مؤلفه‌های متنوع آن بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد. البته سازوکارهای گوناگونی در قبال بزهکاری تروریستی طی ادوار گذشته مصوب شده است که به دلیل توسعه و افزایش کاربرد ابزارها و تنوع آن‌ها، نحوه ارتکاب نیز دچار تحول قابل ملاحظه‌ای شده است که روزآمدی و کاربرد مقررات را محو می‌کند.

کلیدواژه‌ها: محاربه، افساد فی الارض، بغی، بزهکاری تروریستی، حقوق کیفری ایران، آموزه‌های کیفری اسلامی.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳ / ۰۲/۲۲

استناد: پیمان نمایان، (۱۴۰۳). قلمرو حقوق کیفری ایران در قبال بزهکاری تروریستی معاصر؛ با رویکردی به آموزه‌های کیفری اسلامی، *آموزه‌های حقوق کیفری کشورهای اسلامی*، ۱ (۲)، ۱۳۶-۱۲۲.

doi.org/ 10.22091/DCLIC.2024.10864.1015

نوع مقاله: پژوهشی

© نویسندگان

ناشر: دانشگاه قم

مقدمه

خشونت و افراط‌گرایی سیاسی به‌مثابه یکی از مسائل اصلی در حوزه زندگی جمعی انسان‌هاست. پدیده‌هایی نظیر آشوب، تظاهرات، طغیان اجتماعی، خشونت سیاسی، انقلاب، کودتا و... در عرصه داخلی و نیز گسترش افراط‌گرایی، نژادپرستی، نسل‌کشی و به‌ویژه بزهکاری تروریستی معاصر در عرصه بین‌المللی موجی از نگرانی و وحشت در میان دولت‌ها ایجاد کرده است (ر.ک: نظری، ۱۳۹۳: ۲۳۲ - ۲۰۴). از این‌رو، بزهکاری تروریستی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین اشکال جرائم خشونت‌آمیز، در عین حال که ممکن است یک تاکتیک و روش سیاسی یا پاسخی اجتماعی در مقابله با بی‌عدالتی در جامعه تلقی شود، امروزه به‌عنوان یک پدیده حقوقی و اجتماعی پیچیده، از جهات گوناگون مورد توجه و تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

طی دهه‌های اخیر، به‌موازات افزایش بزهکاری‌های تروریستی معاصر در سطح بین‌المللی، لزوم اتخاذ واکنش‌های ضدتروریستی درک شد و کنوانسیون‌ها و معاهدات بین‌المللی تصویب و منعقد گردید.^۱ این تدابیر معطوف به الزام دولت‌ها به جرم‌انگاری داخلی، صلاحیت محاکم کیفری ملی و پیش‌بینی تدابیری برای پیشگیری از جنایات تروریستی بوده است، اما این روند مبارزاتی به کاهش این پدیده منجر نشد (صابر و صادقی، ۱۳۹۲: ۱۴۸). این در حالی است که امروزه نقض آشکار حقوق بشر، آن هم به شکل نقض و تخلف شدید و خشونت‌آمیز از حقوق اساسی بشری، بزهکاری ضدبشری و تهدیدی علیه صلح و امنیت بشری به شمار می‌آید.^۲ این بزهکاری‌ها، رفتارهای خشونت‌آمیز هستند که متضمن نقض یا سلب حقوق اساسی افراد انسانی است. البته این‌گونه رفتارها اصول کلی حقوقی مشخص را زیر پا نهاده و به کانون توجه و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل می‌شود (John-Hopkins, 2017: 293).^۳

در دو دهه اخیر، بزهکاری تروریستی معاصر به‌مثابه پدیده‌ای مجرمانه با رشد فزاینده همراه بوده است؛ ولی به‌رغم همه سعی جامعه بین‌المللی در شناسایی و مبارزه با آن، تاکنون موفقیتی در این باره حاصل نشده است و این جرم به‌گونه‌ای شدید، خطرناک و با توسل به شیوه‌های مدرن در حال تکرار است؛ زیرا امروزه بزهکاری‌های تروریستی با استفاده از

۱. البته کنوانسیون‌های بین‌المللی، تروریسم را به‌عنوان جرم تحت حقوق بین‌المللی تعریف نمی‌کنند، بلکه فقط تعهدی را بر دولت‌های عضو کنوانسیون وارد می‌کنند تا جرائم مورد بحث را به‌موجب قانون داخلی خود جرم‌انگاری اعلام کنند. در ضمن، جرم‌انگاری مؤثر رفتارهای گوناگون مرتبط با تروریسم پیش‌نیاز مداخله دستگاه عدالت کیفری است. کیفری‌سازی نه‌تنها یک تعهد حقوقی برای دولت‌های عضو کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریستی قلمداد می‌شود، بلکه پیش‌نیاز همکاری بین‌المللی مؤثر نیز است. کنوانسیون‌های بین‌المللی ضدتروریستی جرم‌انگاری برخی از رفتارهای تحت نظم خود را الزامی کرده‌اند.

2. See: "Priorities 2024-2026 for the UN Special Rapporteur on the Promotion and Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms while Countering Terrorism", Office of the High Commissioner for Human Rights, <https://www.ohchr.org/en/calls-for-input/2023/priorities-2024-2026-un-special-rapporteur-promotion-and-protection-human>

۳. در طول دهه‌ها، سازمان ملل متحد رهبری ایجاد کنوانسیون‌ها و سایر اسناد مربوطه را برعهده داشته و کشورهای عضو را در تلاش‌های مشترکشان در قبال بزهکاری تروریستی هماهنگ کرده و چنین تلاش‌هایی را تحت حاکمیت قانون قرار داده است. در پاسخ به فراخوان آن، بسیاری از کشورها با وضع و اجرای قوانین داخلی ضد بزهکاری تروریستی و تقویت همکاری‌های بین‌المللی علیه آن به‌طور فعال به تعهدات بین‌المللی خود عمل کرده‌اند. با تلاش‌های بی‌وقفه، جامعه بین‌المللی به‌تدریج چارچوب چندلایه‌ای از اسناد حقوقی علیه بزهکاری تروریستی، از جمله کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای، معاهدات و موافقت‌نامه‌های چندجانبه و دوجانبه و مقررات داخلی را ایجاد کرده است.

تجهیزات و فناوری روز توانسته‌اند، تقریباً در هر منطقه و مکانی که اراده کنند، اقدام‌های خود را سازماندهی کرده، به اجرا درآورند، حال آنکه به‌رغم موفقیت تروریست‌ها در جهت تطبیق خود با روند جهانی‌شدن، تلاش‌های جوامع برای مقابله با بزهکاری تروریستی معاصر همچنان بخشی و ملی مانده است (Schmid, 2023: 15). تروریست‌ها از طریق انجام رفتارهای خشونت‌بار تروریستی، درواقع از یکسو ظرفیت و استعداد مجرمانه بالایی دارند و از سوی دیگر از توانایی ارتکاب رفتارهای خشن برخوردارند. ارتکاب بزهکاری متعدد تروریستی موجب خطرمداری سیاست‌گذاران جنایی در حوزه کنترل بزهکاری و تحول پارادایمی در حقوق کیفری شده است (شاهیده، ۱۴۰۱: ۱۹۷).

بالین‌همه، قانون‌گذار ایران طی سال‌های متمادی با وجود تولید و تأسیس عناوینی نظیر محاربه، افساد فی الارض و حتی بغی در ساختار نظام تقنینی کیفری، نتوانست خلأ قانونی را در مقابله و پیشگیری از بزهکاری تروریستی معاصر فراهم آورد. این در حالی است که قانون‌گذار محاربه را به‌مثابه مصداقی از بزهکاری تروریستی اطلاق کرد، اما با توجه به تنوع و پیچیدگی این جرم دهشتناک، و حتی سازمان‌یافتگی و فراملی بودن آن، ضرورت بازنگری مقرره‌های قانونی و اتخاذ سیاستی نوین در زمینه جرم‌انگاری بزهکاری تروریستی را بیش‌ازپیش آشکار می‌سازد و قانون‌گذار باید با ادراک این مهم، مقرره‌های کارآمد را مورد تصویب قرار دهد. البته سازوکارهای گوناگونی در قبال بزهکاری تروریستی معاصر طی ادوار گذشته مصوب شده است که به دلیل توسعه و فزاینده کاربرد ابزارها و تنوع آن‌ها، نحوه ارتکاب نیز دچار تحول قابل ملاحظه‌ای شده است که روزآمدی و کاربرد مقررات را محو می‌کند. بنابراین، تنوع و پیچیدگی بزهکاری تروریستی، ضرورت بازنگری در مقررات مصوب را آشکار ساخته و مقتضی است تا قانون‌گذار با ادراکی متناسب نسبت به تصویب، اصلاح یا تکمیل مقررات موجود و کارآمدی آن‌ها در ابعاد و سطوح مختلف مبادرت ورزد.^۱

به‌هرروی، پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش توصیفی-تحلیلی است که با رویکرد اسنادی و تطبیقی، پیرامون سنجش ظرفیت قلمرو نظام حقوق کیفری ایران با ملاحظات در چارچوب رویکردهای حاکم بر آموزه‌های اسلامی مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۱. پدیدارشناسی بزهکاری تروریستی در عصر معاصر

بزهکاری تروریستی پدیده جدیدی نیست و می‌توان ریشه آن را در دوران باستان جستجو کرد، زمانی که «زیلوت‌ها»^۲

۱. البته در رویکردهای سیاسی و دیپلماسی پرسشی که به ذهن متبادر می‌شود این‌که «ایران در پاسخ‌گذاری به بزهکاری تروریستی معاصر دارای چه ظرفیتی برای بهره‌گیری از دیپلماسی در مواجهه با آن خواهد بود؟» برای پاسخ به این پرسش باید اذعان داشت که ایران به‌واسطه بهره‌گیری از دیپلماسی می‌تواند اقدام‌های اساسی ضدتروریستی را در قبال بزهکاری‌های تروریستی معاصر صورت دهد که مشتمل بر، ۱. کاهش انگیزه تروریست‌ها جهت حمله به اهداف در قلمرو سرزمینی ایران به‌واسطه اعمال فشار بر دولت‌های میزبان تروریست‌ها و محرومیت تروریست‌ها از فضای فیزیکی و سیاسی؛ ۲. تقلیل قابلیت‌های عملیاتی تروریست‌ها به‌واسطه اعمال فشار بر دولت‌های میزبان و حامی برای خلع سلاح تروریست‌ها؛ ۳. انسداد یا مصادره منابع مالی و دارایی‌های تروریست‌ها؛ ۴. اشتراک‌گذاری اطلاعات سازمان‌های اطلاعاتی خارجی با سرویس‌های اطلاعاتی ایران و بالعکس؛ ۵. ایجاد شکاف در جبهه حامیان تروریسم ضد ایرانی و منفعل نمودن دولت‌های حامی تروریسم ضد ایرانی؛ ۶. زمینه‌سازی در محکومیت بین‌المللی تروریست‌ها؛ ۷. سازمان‌دهی فضای رسانه‌ای قابل ملاحظه و اثرگذار علیه تروریست‌ها؛ ۸. ممانعت از دست‌یابی تروریست‌ها به تسلیحات و فناوری پیشرفته؛ ۹. منفعل نمودن، بازداشت و حتی زمینه‌سازی در حذف مهره‌های کلیدی جریان‌های تروریستی، است (رضایی و محمودی، ۱۴۰۲: ۳۵).

در قرن اول و «هاشاشین‌ها»^۱ از قرن ۱۱ تا ۱۳ دشمنان خود را کشتند و ترس را برای رسیدن به اهداف خود گسترش دادند.^۲ البته به‌زعم برخی از مورخان وجود آن به قرن اول میلادی بر می‌گردد.^۳ در ضمن، واژه «تروریسم» که از کلمه «ترور» گرفته شده است، از سال ۱۷۹۴ در زبان فرانسوی ظاهر شد تا رژیم انقلابی «ماکسیمیلیان روبسپیر»^۴ را تصدیق کند، اما معنای آن به تدریج گسترش یافته است (See: Rey, 1998).

بزهکاری تروریستی، پدیده غالب عصر معاصر، علی‌رغم جهان‌شمولی و ماهیت تهدیدانگارانه و منفی خود، هنوز هم تعریف مشخص و یکسانی در جامعه جهانی ندارد. درحالی‌که ابزارهای جهانی شدن امکانات لازم را برای جهان‌شمولی بزهکاری تروریستی فراهم آورده، مبارزه با بزهکاری تروریستی منحصر به مرزهای ملی مانده که به نظر می‌رسد ناتوانی در اجماع بین‌المللی بر تعریفی واحد از بزهکاری تروریستی، عامل اصلی و اولیه آن باشد. از این رو، وفق نظریات کارشناسان عواملی نظیر دگرگونی‌های بسیار گسترده تاریخی، تغییرات عقیدتی و درنهایت پیشرفت در علم و فناوری موجب پیدایش و زمینه رشد فزاینده بزهکاری تروریستی معاصر می‌باشند (Cassese, 1989: 3-4).

در حقیقت به‌رغم عدم تغییر بزهکاری تروریستی طی یک‌صد سال گذشته، در ربع قرن اخیر نیز کمابیش تغییری نیافته است (Merari, 1999: 54). بر این اساس، کماکان تعریف عام و کاملی از این پدیده وجود ندارد. این وضعیت علی‌رغم گسترش دایره بزهکاری تروریستی معاصر و اهمیت آن برای امنیت بین‌المللی و ضرورت برخورد همه‌جانبه با آن، تعریف این واژه همچنان با ابهام روبه‌رو است. یکی از دلایل عمده این ابهام تنوع مصادیق، گوناگونی اهداف خاستگاه‌ها و درنهایت «تعدد اشکال آن» است (Paletz and Schmid, 1992: 1). اما علی‌رغم این همه تلاش تعریف جهانی قابل قبولی برای بزهکاری تروریستی غیرممکن است؛ زیرا فردی که از نظر یک شخص تروریست محسوب می‌شود از نظر دیگری همیشه یک مبارزه راه آزادی است.

کلیه تعاریف ارائه شده برای بزهکاری تروریستی معاصر در گفتمان جهانی بر سه مؤلفه مهم شامل «کشتن مستقیم»، «حذف فیزیکی غافلگیرانه» و «ایجاد رعب و هراس» اشاره داشته است. به هر روی، موفقیت اندکی در نیل به توافق راجع به تعریف مورد حمایت دولت‌های جهان از بزهکاری تروریستی حاصل گردیده است. با این وجود، وفق کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم و منطقه‌ای که از دهه شصت میلادی در عرصه جهانی بروز پیدا کرده‌اند، تاکنون توافقی در مورد یک تعریف جامع حاصل نگردیده است (ر.ک: قریبی و نامداروندایی، ۱۳۹۹: ۲۶۹-۲۶۸). افزون بر این، نتایج حاصله علی‌رغم تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی و تعاریف و قوانین اسلامی و علاوه بر آن، تصویب قوانین درون ساختاری کشورها، دوران معاصر شاهد عدم توافق و توفیق جمعی در مقابله و امحای پدیده بزهکاری تروریستی بوده است. علت این امر را می‌توان در فقدان دستیابی به وحدتی نسبی در تعریف ماهیت و سرشت عمل تروریستی دانست که متعاقب آن شکل‌های مقابله با آن و نهادهایی همچون سازمان ملل متحد را نیز دچار سردرگمی و ناکارآمدی می‌سازد. ساختار حقوق

1. Hashshashins

2. Encyclopedia of World History: Crisis and Achievement 1900 to 1950, Vol V, Golson Books, 2008, xxv.

3. به‌زعم مورخان طی قرن یکم، متعصبان با توسل به اقدام‌های ترور در قبال سلطه (Chaliand, 2002: 21; Chaliand, Blin, 2006: 65).

امپراتوری ژم مقاومت از خود نشان می‌دادند

4. Maximilien Robespierre

بین‌الملل نیز هرچند در ایجاد قوانین و مقررات بین‌المللی توفیقاتی داشته، اما به دلیل اعمال قدرت از سوی دولت‌ها قدرتمند در جهت منافع آن‌ها این تدبیرها بدل به راهکارهای ثمربخش و نهایی نشده است (امینی‌زارع و دیگران، ۱۴۰۰: ۳۴۴).

با این‌همه، در فقه کیفری اسلام مفاهیمی مانند ارباب، اغتیا، فتک، بغی و محاربه وجود دارند که هرچند ممکن است کاملاً مترادف مفهوم بزهکاری تروریستی نباشند، ولی چون از عوامل تهدید کننده امنیت به شمار می‌روند و از مصادیق «منکر» تلقی می‌شوند، اسلام با آن‌ها مخالف است. بر این اساس، در فقه سیاسی اسلام، رفتارهایی مانند محاربه، یعنی سلاح برکشیدن به منظور ایجاد خوف و وحشت و سلب امنیت و آسایش از مردم، جرم‌انگاری و برای مقابله با آن مجازات‌های شدیدی مقرر شده است. از نظر اسناد بین‌المللی نیز نقض گسترده حقوق و آزادی‌های اساسی بشر، از جمله سرکوب سیاسی و تبعیض‌های اجتماعی از موجبات اساسی رفتارهای خشونت‌آمیزی است که جرم‌انگاری شده و به‌طور عمومی «بزهکاری تروریستی» اطلاق می‌شوند (نوذری‌فردوسی و ذهیات، ۱۴۰۰: ۲۰۳).

بررسی عنوان مجرمانه محاربه در قوانین طی دهه‌های اخیر نشان می‌دهد که عنوان مزبور به تدریج توسعه و گسترش زیادی پیدا نموده است. محاربه از محدود عناوینی است که در چند سال اخیر تا این اندازه گسترش مفهومی به خود دیده است، محاربه در کلام فقهی اکثر فقها محدود به گونه‌ای خاص از جرائم علیه امنیت عمومی بوده و در سیاست جنایی تقنینی، چنان توسعه یافته است که جرائم گوناگونی در زمینه‌های اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی را شامل می‌شود. از این‌رو، در خصوص سابقه تقنینی جرم محاربه و افساد فی الارض می‌توان اظهار داشت که ضمن عدم جرم‌انگاری افساد فی الارض در مقررات موضوعه به گونه‌ای مستقل، بلکه برای جرم‌انگاری و کیفرگذاری جرائم ارتكابی عبارت «محاربه و افساد فی الارض» به‌کار برده شده بود. هرچند که در برخی از قوانین جاری عنوان مستقل افساد فی الارض به گونه‌ای بسیار محدود مقرر شده است. از جمله آن‌ها می‌توان به «قانون اخلاک‌گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۳۶۹» و «قانون تشدید مجازات ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷» اشاره کرد.

محاربه و بزهکاری تروریستی هر دو از عناوین مجرمانه مهم در نقض امنیت داخلی و خارجی کشور می‌باشند که به دلایل مختلف جایگاه ویژه‌ای را در مقررات کیفری ایران به خود اختصاص داده‌اند. اگرچه عناوین مجرمانه مزبور به جهت شرایط مرتبط با ارکان مادی و روانی آن‌ها دارای شباهت‌هایی با یکدیگر نیز می‌باشند، اما سمت‌وسوی تحولات تقنینی این دو عنوان متفاوت با یکدیگر بوده است. از این‌رو، بسط و گسترش مفهومی محاربه در بیشتر موارد متمایل به حفظ و حمایت از حاکمیت سیاسی نظام و گسترش دامنه جرم‌انگاری بزهکاری تروریستی در راستای حفظ و حمایت از امنیت عمومی است. به‌طورکلی،

«در مقایسه بزهکاری تروریستی و محاربه می‌توان اذعان داشت که قصد بر هم زدن امنیت عمومی مردم در محاربه مفروض است، اما در بزهکاری تروریستی حتی قتل یا سوءقصد به جان شخصیت‌های سیاسی هم می‌تواند از مصادیق آن قرار گیرد. به‌علاوه، تهدید به ارتکاب اقدام‌های خشونت‌آمیز می‌تواند موجب تحقق بزهکاری تروریستی باشد. در بزهکاری تروریستی تفاوتی میان بزه‌دیده جرم اعم از عموم مردم و یا حکومت و شخصیت‌های سیاسی نیست، اما در محاربه، بزه‌دیده بی‌تردید باید عموم مردم باشد. بر این اساس، در بزهکاری

تروریستی آنچه مورد هدف قرار می‌گیرد ارتکاب رفتار خشونت‌آمیز و یا تهدید به آن هنگام ارتکاب است که موجبات رعب، وحشت و هراس را فراهم می‌آورد» (هاشمی، ۱۳۹۰: ۱۴۴).

باین‌حال، تعبیر قانون‌گذار از محاربه وفق ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی برگرفته از عبارت فقهی «لاخافه الناس» بوده که این امر در ماده ۲۸۶ نیز به‌نوعی دیگر استقرار یافته است. قانون‌گذار کیفر غایی محاربه را در ماده ۲۸۲ مقرر نموده است، اما در ماده ۲۸۶ نوع نگاه به‌گونه‌ای است که به‌رغم کیفرگذاری خاص برای جرائم ارتكابی، توفیقی در تطبیق صحیح جرائم با کیفر تحت اجرا حاصل نگردیده است؛ چراکه رویکرد قانون‌گذار به جرائم مقرر در ماده ۲۸۶ در چارچوب جرائم حدی و آنچه در این بین قابل ملاحظه است جنبه تعزیری جرائم مقرر در این ماده بوده که به‌طورکلی توجهی بدان نشده است.^۱ تجمیع کلیه عناوین مجرمانه‌ای که هریک دارای اسلوب، ماهیت و ارکانی متفاوت و مستقل از حیث جرم‌انگاری و کیفرگذاری هستند از سوی قانون‌گذاری قابل توجه نیست.

۲. شاخص‌ها و معیارهای بین‌المللی

افراط‌گرایی^۲ و خشونت‌های ناشی از آن از دهه هشتاد میلادی و حتی پیش‌تر در ساختار مقابله با بزهکاری تروریستی معاصر، مورد توجه سازمان ملل متحد قرار داشته است.^۳ پیدایش گروه‌های افراطی نظیر القاعده، داعش، بوکوحرام و غیره و نیز خشونت‌های ارتكابی آنان که منشعب از تفکرات افراطی آنان بوده است، به‌عنوان ناقض صلح و امنیت بین‌المللی و مانعی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و بهره‌برداری انسان‌ها از حقوق بشر اطلاق می‌گردد (لسانی‌سنگ‌اچین و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۲۲). در چارچوب پیشگیری و مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز، نیاز به رسیدگی به عوامل بی‌شماری است که می‌توانند به افراط‌گرایی خشونت‌آمیز دامن بزنند، از جمله تبعیض و به حاشیه راندن، حکمرانی ضعیف و عدم پاسخگویی دولت. به همین دلیل، رویکردهای موفق پیشگیری و مقابله با گسترش افراط‌گرایی خشونت‌آمیز باید توسط حقوق بشر و حاکمیت قانون در جوامع متأثر از بزهکاری تروریستی و افراط‌گرایی خشونت‌آمیز حمایت شود (Saul, 2020: 324-326).^۴

بنابراین، بزهکاری تروریستی معاصر یکی از پیچیده‌ترین تهدیدهایی هستند که جامعه بین‌المللی امروز با آن مواجه است. از این‌رو، بررسی و درک این پدیده ممکن است به اجرای استانداردهای حقوقی آگاهانه ملی و بین‌المللی در قبال

۱. آنچه بیش از همه در ماده ۲۸۶ قابل ملاحظه است استعمال واژگانی کلی نظیر «به‌طور گسترده»، «موجب اخلاص شدید»، «ورود خسارت عمده» و «اشاعه فساد در حد وسیع» است. ۱. به‌طور گسترده قید اقدام مجرمانه بوده و اخلاص شدید و خسارت عمده و نیز اشاعه در حد وسیع، قیودی برای نتایج حاصل از ارتکاب بزهکاری مزبور قلمداد می‌گردد.

۲. افراط‌گرایی خشونت‌آمیز باورها و اعمال افرادی است که از خشونت برای دستیابی به اهداف عقیدتی، مذهبی یا سیاسی حمایت می‌کنند یا از خشونت استفاده می‌کنند. این شامل تروریسم و سایر اشکال خشونت با انگیزه سیاسی و جمعی است. انواع مختلفی از افراط‌گرایی خشونت‌آمیز وجود دارد. انگیزه‌ها متنوع هستند و بسیاری از آن‌ها به‌طور معمول به ایدئولوژی‌های خاصی (به‌عنوان نمونه، تفسیر جنبش‌های سیاسی یا اعتقادات مذهبی)، مسائلی مانند نگرانی‌های زیست‌محیطی یا اقتصادی، یا علل قومی یا جدایی‌طلبانه مربوط می‌شوند. افراد هم‌چنین می‌توانند با بیش از یک موضوع انگیزه پیدا کنند؛ <https://www.livingsafetogether.gov.au/Documents/what-is-violent-extremism.PDF>

۳. لازم به ذکر است شورای امنیت ملل متحد طی قطعنامه (۲۰۱۴) ۲۱۷۸ تأکید می‌کند که مقابله با افراط‌گرایی خشونت‌آمیز یک عنصر اساسی در پرداختن به تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی است. شورا همچنین دولت‌های عضو را تشویق می‌کند تا با جوامع محلی مرتبط و بازیگران غیردولتی در توسعه راهبردهایی برای مقابله با روایت‌های افراطی خشونت‌آمیز که می‌توانند بزهکاری تروریستی معاصر را تحریک کنند، تعامل کنند.

4. <https://www.icct.nl/node/2670>

شبکه‌های جنایی و تروریستی کمک کند (Levi, 2022: 54).

به‌طور سنتی، بزهکاری تروریستی معاصر به‌عنوان جرائمی اطلاق می‌شوند که یکدیگر را به‌نحو متقابلی حذف می‌کردند. درحالی‌که عنصر اصلی جنایات تروریستی استفاده از خشونت است، جنایت سازمان‌یافته لزوماً شامل خشونت نمی‌شود. وفق همین امر، عنصر مشخص جنایت سازمان‌یافته فراملی، هدف مجرم برای ایجاد سود (غیرقانونی) است (Weißer, 2016: 128). با سنجش ابعاد و خصوصیات بزهکاری تروریستی معاصر، ازجمله مشخصات، فنون، نظام‌های سازماندهی و انگیزه‌ها، هفت دسته از جنایات مرتکب شده توسط تروریست‌ها مشتمل بر خشونت‌آمیز، تسهیل، منابع مالی، جرم تخصصی، هوشمندی، جرم عمومی و سوءپیشینه کیفری قابل ملاحظه است (Mullins & Wither, 2016: 66-39).

بزهکاری تروریستی معاصر به‌طور ذاتی مشتمل بر انواع مختلف بزهکاری جنایی راجع به استفاده از خشونت است که اغلب شامل قتل، تعرض، رفتار تهدیدآمیز، خسارت به اموال، آدم‌ربایی و بزهکاری مربوط به سلاح و مواد منفجره است. درواقع، ازآنجاکه اکثر بزهکاری تروریستی در قانون منع شده است، باید استدلال کرد که مقررات ضد تروریستی غیرضروری به‌نظر می‌رسد (Shelley and Picarelli, 2002: 308-309). درحالی‌که در بزهکاری تروریستی معاصر، مرتکب برای تبلیغات تلاش می‌کند.

تروریست‌ها برای آماده‌سازی یا تسهیل حمله‌ها باید به‌طور مستمر قانون را نقض کنند. جنایات در اینجا می‌تواند شامل قاچاق اسلحه، جعل، نقض مهاجرت، قاچاق و فساد باشد.

اکثر بزهکاری‌های تروریستی معاصر ارتكابی به علت منافع مالی است؛ اگرچه قاچاق مواد مخدر پردرآمدترین و مستندترین تلاش جنایی است که تروریست‌ها در آن دست داشته‌اند، اما سایر بزهکاری‌های سودآور شامل آدم‌ربایی، قاچاق، سرقت، اخاذی، کلاهبرداری، جعل، سرقت، تجارت کالاهای غیرقانونی، اقدام‌های نامشروع و غیرقانونی است (Trapp, 2023: 354-355).

علی‌رغم این واقعیت که بسیاری از اقدام‌های ارتكابی تروریست‌ها در حال حاضر تحت قوانین عادی قرار دارد، در برخی از دولت‌ها جنایات تروریستی برای مقابله با رفتارهایی به‌نحو انحصاری به‌عنوان بزهکاری تروریستی معاصر اطلاق می‌شوند، ایجاد شده است. اقدام‌های مورد نظر شامل آموزش برای مقاصد تروریستی، عضویت در یک سازمان تروریستی، در اختیار داشتن اسناد یا سایر مواد مرتبط با تروریست‌ها، آماده‌سازی یا توطئه برای انجام یک بزهکاری تروریستی، تشویق، تحریک یا تجلیل از بزهکاری تروریستی، جمع‌آوری کمک‌های مالی برای بزهکاری تروریستی و حمایت مادی از سازمان‌های تروریستی، است.

ازآنجاکه تروریست‌ها اغلب می‌خواهند از حوزه انتخابیه خاصی حمایت کنند، برخی اوقات مرتکب جنایاتی می‌شوند که حداقل تا حدی با هدف افزایش محبوبیت و مشروعیت آن‌ها انجام شده است (Monaghan, 2004: 454-556).

تروریست‌ها گاهی مرتکب بزهکاری متفرقه در حین ارتكاب بزهکاری تروریستی یا در حین انجام کارهای روزمره

خود می‌شوند، به‌ویژه، تخلفات رانندگی. در ضمن، تعداد قابل توجهی از تروریست‌ها از محکومین سابق بوده‌اند یا در حین گذراندن دوران محکومیت خود برای جنایات عمومی هستند. مجرمان عمومی درواقع ممکن است در برابر جذب تروریست‌ها آسیب‌پذیر باشند؛ زیرا آن‌ها از نظر اجتماعی به حاشیه رانده شده‌اند. به‌هرروی، بزهکاری تروریستی دارای معیارهایی است که می‌توان آن‌ها را مورد شناسایی قرار داد:

بزهکاری تروریستی معاصر روش یا فنون ارباب قهری سازمان‌یافته مشتمل بر تهدید یا استفاده از خشونت در تخریب و انهدام اموال یا صدمه و آسیب به اشخاص است که به‌مثابه سازوکاری برای کنترل مورد استعمال قرار می‌گیرد (فتح‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸). به‌ویژه اگر بزهکاری تروریستی به حق حیات و امنیت انسان‌ها تجاوز کند، تعریف آن باید خشونت خطیری را که برای تسبیب مرگ یا خسارت شدید جسمانی به افراد منظور شده منع کند.^۱ این ممنوعیت باید به حمله به اموال دولتی و خصوصی هم بسط داده شود، حمله‌هایی که برای به خطر انداختن انسان‌ها از نظر جسمانی منظور شده‌اند از جمله افعالی علیه خدمات شهری ضروری و زیرساخت عمومی. تهدید به ارتکاب چنین افعالی می‌تواند به یک جرم تبعی با مجازات کمتر شکل بدهد، نه اینکه فی‌نفسه فعلی تروریستی قلمداد شود (Saul, 2008: 179-181).

هدف اصلی از ارتکاب بزهکاری تروریستی معاصر جمعیت غیرنظامی است. از این‌رو، انتخاب اهداف، اغلب اتفاقی، غیرقابل‌پیش‌بینی و بدون تفکیک صورت می‌پذیرد تا امکان ایجاد وحشت و اضطراب حداکثری را ایجاد کند (فتح‌پور، ۱۳۹۹: ۱۰۸-۱۰۹). ارباب یک جمعیت یا اجبار یک دولت به‌واسطه نگرانی‌های خصوصی نظیر اخاذی، منفعت جنایی، یا حتی مناقشه‌آمیز شخصی برانگیخته شده باشد. یک بزهکاری تروریستی نه‌تنها در جایی که قصد سیاسی وجود دارد،^۲ بلکه در جایی که انگیزه‌ای عمومی، هدف، یا قصد عمومی که به‌طور گسترده تعریف شده موجود باشد، صورت می‌گیرد (Saul, 2008: 182).

امروزه مبنای حقوقی بین‌المللی برای نظام همکاری بین‌المللی ضد تروریستی شامل طیف گسترده‌ای از اسناد حقوقی بین‌المللی است. در حال حاضر ۵۲ ابزار مربوط به بزهکاری تروریستی وجود دارد که از این تعداد ۱۹ سند، جهانی و ۳۳ سند، منطقه‌ای هستند (Alizade, 2020: 3-6). از این‌رو، بزهکاری‌های مقرر در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریستی که از سال ۱۹۶۳ پذیرفته شده‌اند به‌طور معمول، به‌رغم اینکه عنصر بین‌المللی لازم به طرق مختلف ترکیب و تدوین شده، برای بزهکاری تروریستی به‌طور کامل داخلی کاربردپذیر نیست. کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم و کنوانسیون راجع به سرکوب اقدام‌های سرکوب تروریسم هسته‌ای هیچ‌کدام در جایی که جرمی در داخل یک دولت واقع شده باشد، مجرم یا بزه‌دیدگان تبعه آن دولت باشند، مجرم در قلمرو سرزمینی آن دولت یافت شود، و سایر دولت‌ها به موجب آن معاهدات از صلاحیت

۱. برای افزایش تعیین و قطعیت می‌توان با برشمردن اقدام‌های خشونت‌آمیز ممنوع نظیر فهرست کردن بزهکاری‌های در کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد تروریسم موجود و مشخص کردن اقدام‌های دیگر که تحت پوشش آن معاهدات قرار ندارند (مثل قتل یا ضرب و شتم جسمی با هر وسیله‌ای یا در هر ساختاری). رکن «خشونت خطیر» را توصیف کرد. درعین حال رکن «خشونت خطیر» می‌تواند به‌صورت یک طبقه آزاد باقی بماند تا اطمینان حاصل گردد که مجرمین به‌واسطه ارتکاب خشونت به روش‌های جدید و یا پیش‌بینی نشده از تقابل نمی‌گریزند (See: Murphy, 2019: 14-16).

3. UNGA Resolutions 49/60 (1994), annexed Declaration on Measures to Eliminate International Terrorism.

قضایی در مورد مجرم برخورد نباشند، کاربرد ندارند.^۱ ماده ۳ «پیش‌نویس کنوانسیون جامع مقابله با تروریسم بین‌المللی» از همین ترکیب پیروی می‌کند.

ذات واژه بزهکاری تروریستی معاصر ایجاب می‌کند که هر تعریفی نشان دهد شخصی، یا گروهی از اشخاص، احساس رعب و وحشت کرده‌اند یا هدف این بوده که احساس رعب و وحشت کنند. در غیر این صورت این واژه از مبدأ زبانی خود و معنای متنی ساده یا عادی آن مجزا می‌شود. یک بزهکاری تروریستی که فاقد رعب و وحشت باشد با واژه‌شناسی صحیح بهتر وصف خواهد شد. با این وجود، پیشنهاد برای تعریف بزهکاری تروریستی به‌عنوان ارباب یا اجبار صرف به‌طور ضمنی به معنای رفتاری ضعیف‌تر از بزهکاری تروریستی است و می‌توان به‌طور اصولی آن را به‌طور دقیق جرم ارباب یا اجبار تعریف کرد.

به‌هرروی، علی‌رغم علاقه جامعه بین‌المللی به رویارویی با بزهکاری تروریستی، نتوانسته است تعریفی منسجم و جامع از آن ارائه نداده و به نتایج ملموسی در زمینه تعریف پدیده بزهکاری تروریستی نرسیده است؛ زیرا این مفهوم با مفاهیم دیگری نظیر میهن‌پرستی درهم آمیخته است. البته می‌توان بزهکاری تروریستی را به‌عنوان هر رفتاری که موجب وحشت و هراس در دل گروهی نامشخص از مردم شود، متمایز کرد (Ghali Hamzah, 2024: 631).

حقوق بشردوستانه بین‌المللی مقررات زیادی را در بردارد که به‌طور مؤکد، بزهکاری تروریستی را ممنوع کرده است. ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو در بخشی مقرر می‌دارد که مجازات‌های جمعی و کلیه اقدام‌های رعب‌انگیز یا تروریسم ممنوع هستند (See: Baumer-Schuppli, 2020: 46).^۲ کنوانسیون‌هایی نظیر «کنوانسیون بین‌المللی بر ضد گروگان‌گیری، مصوب ۱۹۷۹»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب بمب‌گذاری‌های تروریستی، مصوب ۱۹۷۹»، «کنوانسیون بین‌المللی راجع به سرکوب تأمین مالی تروریسم، مصوب ۱۹۹۹» و «کنوانسیون بین‌المللی سرکوب اقدام‌های تروریسم هسته‌ای، مصوب ۲۰۰۵» مقرراتی را در بردارند که به حقوق بشردوستانه بین‌المللی یا به مفاهیم استنتاجی از آن رجوع می‌کنند. بیشتر آن‌ها بندهایی منع‌کننده هستند و برای تضمین این مسئله مقرر شده‌اند که: اقدام‌هایی که در اصل در چارچوب عمل هر دو حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بین‌الملل ضد تروریسم قرار دارند، توسط یکی از این دو معاهده کنترل می‌شوند.

۳. ظرفیت قلمرو حقوق کیفری و ملاحظات آموزه‌های کیفری اسلام

در چارچوب مبانی اعتقادی اسلام، در آیات و روایات، ترور و بزهکاری تروریستی را به‌صراحت یا تلویحی ضمن محکومیت، در برخی آیات قرآن کریم نیز این مباحث به‌صراحت بیان شده است. مبانی آموزه‌های کیفری اسلام ضمن محکومیت این نوع از بزهکاری در کلیه ابعاد، اشکال و مظاهر، میان جنبش‌های آزادی‌بخش ملی و ضد اشغالگری با

۱. مادامی که قانون‌گذاری بین‌المللی در خصوص بزهکاری تروریستی معاصر به‌عنوان جنایت سازمان‌یافته به بزهکاری تروریستی بین‌المللی محدود شود، آنگاه عنصر بین‌المللی بزهکاری‌ها باید روش‌های گوناگونی را تحت پوشش قرار دهد. این می‌تواند شامل مواردی باشد که بزهکاری تروریستی معاصر در چند دولت یا در خارج از حوزه قضایی هر دولت صورت می‌گیرد یا بر سایر دولت‌ها تأثیر می‌گذارد؛ یا اقدامی بر اتباع چند دولت یا افراد مصون در سطح بین‌المللی تأثیر می‌گذارد؛ یا مرتکب جرم یک تبعه خارجی است (Saul, 2008: 183-185).

۲. مادامی که بزهکاری تروریستی در زمان صلح ارتکاب یابد تعریف آن باید به‌منظور حفظ تقارن اخلاقی و وسعت بخشیدن به مشروعیت آن هم اقدام‌های مقامات دولتی و بازیگران غیردولتی را در بگيرد (Saul, 2016: 8-9).

بزهکاری تروریستی، تمایز قائل می‌شود. محاربه و افساد فی الارض به مثابه مهم‌ترین بزهکاری امنیتی در چارچوب موازین فقهی مطرح هستند. مستند فقهی این جرم خطیر، در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره مائده مبین حد و کیفر کسانی است که در اصطلاح به آن‌ها محارب و مفسد فی الارض گفته می‌شود و در حکم جنگ و مخاصمه با خداوند تلقی شده است.^۱

مبنای جرم‌انگاری محاربه در قلمرو حقوق کیفری ایران،^۲ آیه ۳۳ سوره مائده است. به‌رغم اینکه در این آیه، هم به محاربه و هم به افساد فی الارض اشاره شده است، اما اغلب مفسرین و قاطبه فقها معتقدند که آیه مذکور به‌طور صرف در مقام جرم‌انگاری «محاربه» است و نمی‌توان از این آیه، جرم‌انگاری «افساد فی الارض» را استنباط کرد. مفسرین و فقها مفهوم محاربه را حالتی می‌دانند که فردی به قصد ارباب مردم به روی آن‌ها سلاح بکشد. علاوه بر این، ایشان عنوان مستقل مجرمانه‌ای برای افساد فی الارض قائل نیستند و آن را تنها صفت محاربه قلمداد کرده و قید «یسعون فی الارض فسادا» وصف محاربه است (فتحی، ۱۳۹۶). البته مقصود از «افساد فی الارض» ایجاد فساد در جامعه است؛ زیرا انتساب فساد در زمین، از آن نظر بوده که زمین مکانی برای زندگی و استقرار انسان است.

قانون‌گذار داخلی با توجه به گستردگی بزهکاری تروریستی در عصر معاصر به‌ویژه جرائم امنیتی در چارچوب محاربه تمرکز این اقدام‌ها در قرن حاضر بر فناوری‌های نوین علمی و فناوری، درصدد مقابله با آن به روش‌های گوناگون شده است که این امر در مقررات داخلی به‌گونه‌های متفاوتی جلوه‌گری می‌نماید. از این‌رو، ماده ۲۷۹ قانون مجازات اسلامی، محاربه را کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن‌ها تقریر نموده است، به‌نحوی که موجب ناامنی در محیط گردد. به‌علاوه، ماده ۲۸۷ کیفر اعدام را برای باغی مقرر نموده است. در این قانون برخی مواد به کیفر افساد اشاره دارد، هرچند در این موارد محاربه را نیز در کنار افساد مقرر نموده است. با توجه به تعریف محاربه، این موارد به‌عنوان افساد مورد حکم قرار گرفته‌اند؛ چراکه ارکان محاربه در این موارد تمام نیست.

قانون‌گذار در چارچوب عنوان محارب وفق مواد ۴۹۸، ۵۰۸، ۵۱۵، ۵۲۶، ۶۱۰، ۶۱۷، ۶۵۳، ۶۵۴، تبصره ۶۷۵ و نیز ماده ۶۸۳ قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵) مراتب را تقریر نمود که در بیشتر این موارد محارب و مفسد اطلاق شده است. افزون بر این با مطالعه قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح، جرائم موصوف به‌عنوان محاربه در مواد ۱۷، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، بندهای «الف»، «ج» و «هـ» و تبصره ۲ ذیل بند «هـ» ماده ۲۴، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۳۲، بندهای «الف» و «ب» ماده ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۹، بند «الف» ماده ۴۲، ۴۳، بند «الف» ماده ۴۴ و ۵۱، تبصره نخست ماده ۹۳، ۹۴، و ۱۲۸ مقرر هستند. جرائم ارتكابی علی‌رغم این‌که علیه امنیت داخلی و خارجی به شمار می‌آیند، اما

۱. البته برخی از فقها موضوع اصلی این آیه شریفه را قیام علیه حکومت اسلامی تلقی می‌نمایند و کسی که به‌قصد ارباب مردم و تصاحب اموال آن‌ها دست به سلاح می‌برد را شامل نمی‌شود (مؤمن، ۱۴۱۵: ۳۷۶)؛ هرچند این دیدگاه را که از سوی برخی علماء مورد انتقاد قرار گرفته (هاشمی شاهرودی، ۱۳۷۸: ۲۱۲) و با گفتمان غالب فقها و مفسران شیعی تناسب ندارد، می‌توان مورد پذیرش قانون‌گذاری در الحاق مفاد مواد ۲۷۹، ۲۸۱ و ۲۸۷ از قانون مجازات اسلامی به حد افساد فی الارض و توسعه در مصادیق این حد دانست. لازم به توضیح است که قانون‌گذار در مفاد مقرر در ماده ۲۷۹ تعریفی فقهی و سنتی را ذکر نموده است، اما در توسعه و گسترش مصادیق این حد، هیچ محدودیتی را برقرار نساخته است (آقابایی، ۱۳۹۳: ۵۵).

۲. یکی از پرچالش‌ترین مباحث حقوق کیفری ایران، موضوع محاربه و افساد فی الارض در زمره بزهکاری‌های علیه امنیت است که طی دهه‌های اخیر وفق آیه‌های ۳۲ و ۳۳ سوره مائده جرم‌انگاری شده‌اند، البته مصادیقی از آن‌ها در «قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲» قابل ملاحظه است. این عناوین، در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱» در کنار هم مورد استعمال قرار گرفته‌اند و با توجه به ابهامات، در «قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰» تحولات نه‌چندان چشم‌گیری داشته‌اند، اما در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ تحولات اساسی و قابل‌پذیرشی در آن‌ها صورت گرفته و عنوان مجرمانه مستقل پیدا کرده‌اند.

به‌طور صریح بزهکاری تروریستی معاصر را تحت پوشش قرار نمی‌دهند.

لازم به ذکر است که قانون‌گذار جرم‌انگاری بزهکاری مقرر در ماده نخست از قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم بوده که در صورت احراز و اثبات، حکم محاربه (ماده ۲۷۹ ق.م.ا) یا افساد فی الارض (ماده ۲۸۶ ق.م.ا) را دارد. این در حالی است که قانون‌گذار پیش‌تر مبادرت به جرم‌انگاری اقدام‌های مجرمانه علیه امنیت داخلی و خارجی کشور در چارچوب محاربه و افساد فی الارض نموده است. لازم به ذکر است ایراداتی نظیر نوع کاربرد شیوه‌ها در چارچوب تعریف تأمین مالی تروریسم، فقد مرزبندی میان جرم تام و شروع به جرم و نیز عدم تقریر صریح دادوستد با گروه‌های تروریستی در چارچوب ماده نخست از قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم قابل ملاحظه بوده که قانون‌گذار بدون توجه خاص بدان‌ها مبادرت به تقریر مقررات نموده است.

پرسشی که مطرح می‌شود اینکه، «آیا کیفرگذاری بزهکاری تروریستی معاصر باید در چارچوب کیفرهای حدی صورت پذیرد یا کیفرهای تعزیری؟» برای پاسخ به این پرسش در ابتدا به این نکته باید توجه داشت که «بزهکاری ارتكابی دارای چه معیارهایی هستند؟» بر این اساس مؤلفه‌ها و نقاط اشتراک در محاربه و بزهکاری تروریستی به‌عنوان غایت آن‌ها ایجاد هراس و وحشت‌افکنی است، اما در ذیل آن آنچه را که در ماهیت محاربه مفروض است نقض امنیت عمومی مردم در منطقه‌ای خاص است، اما در مقابل، بزهکاری تروریستی و یا سوءقصد به جان اشخاص سیاسی هم می‌تواند در زمره مصادیق آن قرار گیرد؛ هرچند امروزه این مصادیق با توجه به رشد و توسعه علوم و فناوری‌های نوین در قرن حاضر دستخوش تغییر و تحولات شگرفی شده است. بنابراین در پاسخ به پرسش مطروحه می‌توان این‌گونه ایراد کرد که قانون‌گذار به دلایلی غیرقابل پذیرش مبادرت به تصویب جرائمی علیه امنیت عمومی می‌نماید که نحوه کیفرگذاری آن‌ها با یکدیگر از حیث حدی یا تعزیری بودن متفاوت است.

محاربه به‌لحاظ وجود مبانی و موازین فقهی علی‌القاعده تحت شمول جرم‌انگاری و کیفرگذاری حدی قرار دارد، اما بزهکاری تروریستی معاصر به‌لحاظ وجود مصادیق آن به‌طور اساسی در زمره جرائم کیفرهای تعزیری قرار می‌گیرد؛ چراکه به‌صرف وجود مصادیقی که قانون‌گذار در منابع اسلامی بدان‌ها دست پیدا نموده است نمی‌توان مبانی کیفرگذاری را تغییر داد. همچنین بزهکاری تروریستی و مصادیق وابسته امروزه آن‌چنان وسعت یافته است که دیگر در چارچوب مصادیق مقرر در منابع اسلامی نمی‌توان آن‌ها را جرم‌انگاری و کیفرگذاری نمود.

بالین‌همه، می‌توان اذعان داشت که با توجه به ملاحظات قانون‌گذار در فرآیند کیفرگذاری و به‌رغم پذیرش شناسایی ادبیاتی نو در یک تأسیس قانونی جدید با وجود مقرراتی مشابه در این خصوص، ضرورت تصویب مقرراتی خاص را در حوزه بزهکاری تروریستی به دلیل کیفرگذاری مشابه در چارچوب دیگر مقررات را محو می‌کند و امری غیر معمول به شمار می‌آید. هرچند که تصویب این قانون، اقدامی اثرگذار در رویارویی با تأمین مالی تروریسم به‌عنوان یک تأسیس قانونی جدید تلقی می‌شود. به‌هرروی، هدف قانون‌گذار در اتخاذ چنین سیاستی در عرصه جنایی، به‌رغم عدم جرم‌انگاری ابعاد گوناگون بزهکاری تروریستی، رویارویی با تأمین و حمایت مالی از ترور، بزهکاری تروریستی معاصر، تروریست‌ها و گروه‌های تروریستی است، اما متأسفانه برای احراز و اثبات اقدام‌های مجرمانه، مبنای کیفرگذاری را در چارچوب جرم

محاربه و افساد فی الارض قرار می‌دهد که این اقدام نه تنها قانون مصوب را به لحاظ ضمانت اجرایی در جایگاه مستحکمی قرار نمی‌دهد، بلکه از نظر حقوقی، قانون‌گذار در حال تائید و تکرار موازین جنایی پیشین است. با این همه، اسلام دارای آموزه‌هایی کیفری است که نه تنها بزهکاری‌های تروریستی را غیرمشروع قلمداد می‌کند، بلکه توجه به احکام متعالی اسلام، می‌تواند منشأ ایجاد قوانینی در نظام روابط و حقوق بین‌المللی باشد که این امر امکان امحای ریشه بزهکاری‌های تروریستی معاصر را در جهان فراهم می‌آورد.^۱

نتیجه‌گیری

بزهکاری تروریستی معاصر، پدیده‌ای است محصول علل مختلف که در عین حال، علت شکل‌گیری وضعیت‌های گوناگون محسوب می‌شود. بزهکاری تروریستی در عصر معاصر فارغ از معنا و گفتمانی که دارد، مفهومی متضمن خشونت، افراطی‌گری، هراس و وحشت عمومی است که استفاده از آن حتی در ذهن نیز نوعی واکنش روانی مبتنی بر انزجار را به دنبال دارد. از این رو، با در نظر گرفتن چندبعدی بودن بزهکاری تروریستی معاصر، نمی‌توان با تمرکز بر تنها یک علت، موجبات امحای کامل آن را فراهم کرد. بلکه بدون توجه به‌ویژه به رابطه نظام سلطه با شکل‌گیری بزهکاری تروریستی بین‌المللی نمی‌توان در روند مبارزه با بزهکاری تروریستی توفیق یافت. بنابراین، پیشگیری، مقابله و سرکوب کلیه اشکال و گونه‌های بزهکاری تروریستی معاصر در درجه اول اهمیت قرار می‌گیرد، اتخاذ سیاست کیفری اصولی در مواجهه با این پدیده ضدبشری است. از این حیث، کنترل جنایات تروریستی به جهت فقدان شناخت کافی از حیث ماهیت و همچنین نتایج ناشی از عدم ارائه تعریفی حقوقی و مورد پذیرش جامعه بین‌الملل، دشوار به نظر می‌رسد.

لازم به ذکر است که چارچوب رویکرد حقوقی نظام قانون‌گذاری ایران در قبال بزهکاری تروریستی وفق یافته‌های فقهی نظیر عناوین نظیر محاربه و افساد فی الارض، مبادرت به مقابله و پیشگیری نموده است. بنابراین، این نوع نگارش قانون ضمن عدم توجه به مفاد مقررهای قانون مصوب، مبین تشدد و دوگانگی قانون‌گذار است. از این منظر به نظر می‌رسد با توجه به عدم شناسایی و ادراک صحیح و اصولی نسبت به موازین و اسناد بین‌المللی در قبال بزهکاری تروریستی معاصر، قانون‌گذار را مجبور به کلی‌نگری در خصوص الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی با هر تدبیر و مصلحتی نموده است. این در حالی است که سیاست جنایی تقنینی جرم‌انگاری و کیف‌رگذاری بزهکاری تروریستی معاصر و مصادیق وابسته در چارچوب عناوین مجرمانه محاربه و افساد فی الارض قابل ملاحظه است، اما سیاست جنایی قضایی در این خصوص با توجه به توسیع اطلاق مفهومی و مصداقی، قانون‌گذار برای جرم محاربه و نیز اشتراک مفهومی میان بزهکاری تروریستی و محاربه، شکاف قانون‌گذاری را تا حدود قابل توجهی مرتفع ساخته است.

۱. لازم به ذکر است «با توجه به تهدیدات روزافزون بزهکاری تروریستی در جهان اسلام، اتخاذ چه رویکردی در قبال این پدیده کارآمدی خواهد داشت؟» در پاسخ باید اظهار داشت که اتخاذ رویکرد چندجانبه‌گرایی و تشریک مساعی کشورهای منطقه، کارآمدترین سازوکار مواجهه با بزهکاری تروریستی در جهان اسلام به شمار می‌آید. البته نقش دولت‌های تأثیرگذار منطقه نظیر ایران و سایر بازیگران منطقه‌ای در چارچوب روابط چندجانبه و نهادهای منطقه‌ای با رویکردی مشترک در قبال این نوع از بزهکاری این امکان را به نحو مطلوبی فراهم می‌سازد. این در حالی است که رویکرد چندجانبه موجب اثرگذاری اقدامات هماهنگ بازیگران منطقه‌ای، کاهش هزینه‌های مبارزه با بزهکاری تروریستی، کاهش دخالت بیگانگان در مسائل منطقه، حذف ریشه‌های شکل‌گیری گروه‌های تروریستی و... می‌شود و در نهایت موجبات برقراری امنیت و ثبات در منطقه زمینه توسعه همه‌جانبه را در جهان اسلام فراهم می‌کند (ایمانی، دیلمقانی و روشنی، ۱۳۹۷: ۸۷).

فهرست منابع

- امینی زارع، امین، ابومحمد عسگرخانی و مریم مرادی؛ (۱۴۰۰). «مطالعه تطبیقی قوانین و مقررات مقابله با تروریسم از منظر اسلام و حقوق بین الملل»، نگرش‌های نو در جغرافیای انسانی، شماره ۳.
- ایمانی، همت، فرشید دیلمقانی و حدیث روشنی؛ (۱۳۹۷). «رهیافت چندجانبه‌گرایی؛ رویکردی کارآمد برای مبارزه با تروریسم در جهان اسلام (با تأکید بر همکاری ایران، ترکیه، مصر و عربستان)»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۲.
- رضایی، نیما و رامین محمودی؛ (۱۴۰۲). «نقش دیپلماسی در مقابله با تروریسم معاصر علیه جمهوری اسلامی ایران»، روابط خارجی، شماره ۴.
- فتح‌پور، فاطمه؛ (۱۳۹۹). *بایسته‌های مقابله با تروریسم در پرتو دکترین امنیت انسانی*، تهران: میزان، چاپ اول.
- فتحی، حجت‌الله؛ (۱۳۹۶). *شرح مبسوط قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ (حدود)*، زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ دوم.
- قربیی، حسین، سالار نامداروندایی؛ (۱۳۹۹). «شورای امنیت سازمان ملل متحد و شکل‌گیری رژیم مقابله با تروریسم»، مطالعات راهبردی، شماره ۳.
- شاهیده، فرهاد؛ (۱۴۰۱). «حقوق کیفری خطرمداری در قلمرو بزهکاری تروریستی»، آموزه‌های حقوق کیفری، شماره ۲۴.
- صابر، محمود و ولی‌الله صادقی؛ (۱۳۹۲). «آموزه‌شناسی مسئله صلاحیت دیوان کیفری بین‌المللی در رسیدگی به تروریسم»، تعالی حقوق، شماره ۴.
- نظری، علی‌اشرف؛ (۱۳۹۳). «ترومای خشونت و افراط‌گرایی سیاسی: ضرورت بازشناسی انتقادی»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس جهان علیه افراط‌گری و خشونت، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه، چاپ اول.
- نوذری فردوسی، محمد و محمد ذهیبات؛ (۱۴۰۰). «بازپژوهشی تروریسم از دیدگاه حقوق اسلامی و اسناد بین‌المللی با تأکید بر نهضت‌های رهایی‌بخش»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، شماره ۱.
- هاشمی، سید حسین؛ (۱۳۹۰). *تروریسم از منظر حقوق اسلام و اسناد بین‌المللی*، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.

References

- Alizade, Vera (2020), "Criminalization of International Terrorism in International Law", IX International Scientific and Practical Internet Conference: Modern Challenges and Topical Problems of Science, Education and Production: Intersectoral Disputes, https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3763673
- Baumer-Schuppli, Fabian (2020), "The Proliferation of Definitions of Terrorism in International Law; A Story of Failed Symbolism and Premature Universal Jurisdiction", The Global Crime, Justice and Security Journal, Vol. 1.
- Cassese, Antonio (1989), Terrorism, Politics and Law, Cambridge University.

- Ghali Hamzah, Asaad (2024), "The Terrorism and International Public Law", International Journal of Religion, Vol. 5, No. 10.
- John-Hopkins, Michael (2017), Extrapolation of Criminal Law Modes of Liability to Target Analysis under International Humanitarian Law: Developing the Framework for Understanding Direct Participation in Hostilities and Membership in Organized Armed Groups in Non-International Armed Conflict Get Access Arrow, Journal of Conflict and Security Law, Volume 22, Issue 2, Summer.
- Merari, Ariel (1999) "Terrorism as a Strategy of Struggle: Past and Future", The Future of Terrorism, Vol. 11, Issue. 4.
- Mullins, Sam & James K. Wither (2016), "Terrorism and Organized Crime", The Quarterly Journal, Vol. 15, No.2.
- Monaghan, Rachel (2004), "An Imperfect Peace': Paramilitary 'Punishments' in Northern Ireland," Terrorism and Political Violence, Vol. 16, No. 3.
- Murphy, Cian C (2019), "Terrorism and Transnational Law: Rules of Law Under Conditions of Globalization", Law Research Paper Series, University of Bristol Law School, bristol.ac.uk/law/research/legal-research –papers.
- Mullins, Sam(2016), Home-Grown' Jihad: Understanding Islamist Terrorism in the US and UK, London: Imperial College Press.
- Paletz, David L. and Alex P. Schmid (1992), Terrorism and the Media, Sage Publications.
- Levi, Michael (2022), "The Organized Crime-Terrorism Nexus and its Funding", in: Letizia Paoli, Cyrille Fijnaut and Jan Wouters, The Nexus Between Organized Crime and Terrorism: Types and Responses, Edward Elgar Publishing Limited.
- Weißer, Bettina(2016), "Transnational Organized Crime and Terrorism", in: International Law and Transnational Organized Crime, Edited By: Pierre Hauck, Sven Peterke, Oxford Public International Law (OPIL).
- Schmid, Alex P (2023), Defining Terrorism, International Centre for Counter-Terrorism (ICCT).
- Shelley, Louise I. and John T. Picarelli (2002), "Methods Not Motives: Implications of the Convergence of International Organized Crime and Terrorism," Police Practice and Research: An International Journal, Vol. 3, No. 4.
- Saul, Ben (2008), "Reasons for Defining and Criminalizing Terrorism in International Law", Anuario Mexicano de Derecho Internacional, Vol. 1, No. 6.
- Saul, Ben (2020), Research Handbook on International Law and Terrorism, Published Elgar Online.
- Rey, Alain (1998), "Terreur", Dictionnaire Historique De La Langue Française, Le Robert, <https://www.lerobert.com/dictionnaire-historique-de-la-langue-francaise-dix-siecles-de-voyage-dans-la-langue.html>
- Trapp, Kimberley N (2023), "The ICJ and International Terrorism" in: Max Planck Yearbook of United Nations Law Online, Brill Publication.